



بیانیه « کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران ( داخل کشور ) »

پیرامون گزارش دوم نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در ایران !

مردم ستم‌دیده ایران ! خانواده های داغدار شهدا - خانواده های رنج‌دیده زندانیان سیاسی !

گزارش آقای گالیندوین نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۱۳۶۹ ( ۲۰ نوامبر ۱۹۹۰ ) در نیویورک و در مقر سازمان ملل انتشار یافت . وی در این گزارش موارد بیشمار نژادپرستی بشر در ایران را افشا نمود . این گزارش به دنبال سفر مهروماه سارچازان آقای گالیندوین به تهران برای بررسی موارد نقض حقوق بشر در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی تهیه شده است .

آقای گالیندوین در سفر نخست خود در بهمن ۶۸ به تهران ، گزارش از وضعیت حقوق بشر در ایران تهیه کرده بود که اثر محدودیتها را مقابله فعالیت‌های بنیادگرای سازمان ملل در ایران و حمله گریها را خاطر رژیم و همچنین تاثیر فعلی و فعالیتها را پرتو سیاسی ، گزارش ناقص و مبهم و ناروا بود و افشای نقض حقوق بشر را به حداقل رسانده بود . از این رو بسیاری از نیروهای سیاسی و دمکراتیک اپوزیسیون میهن ما ، با دیدگاهها مختلف به این گزارش برخورد نمودند و ضمن بررسی نقاط مثبت و منفی گزارش ، مریخا انتقادات وارده بر گزارش را نیز یادآوری کردند

« کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران ( داخل کشور ) » نیز به هنگام سفر دوم آقای گالیندوین به ایران ، با توجه از بررسی اوضاع میهن و با اتکا به خواست و نظرات اکثریت خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی ، در بیانیه خود اعلام داشت که ضمن تلاش برای تقویت مواضع و نقض سازمان ملل و نهادها میهنی همچون کمیسیون حقوق بشر و گسترش کنترل و نظارت این نهادها و جامع معتبر بین المللی بر وضعیت حقوق بشر در ایران ، به عنوان اعتدال به گزارش ناقص و مبهم اول هیئت نمایندگی سازمان ملل و تاثیر پذیر این گزارش از بدو بستانهای پشت پرده سیاسی و همچنین در اعتراض به عدم اجرای تعهدات رژیم جمهوری اسلامی مبتنی بر عدم آزار و فشار بر شاهدا ، شاکیان و عدم کنتور کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نسبت به اجراء این تعهدات از حضور در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران خودداری ورزند و حضور در مقابل دفتر سازمان ملل را تحریم نمایند . در بیانیه توضیح داده بود که این امر به معنای تحریم کمیسیون حقوق بشر یا نماینده آن کمیسیون نمی باشد بلکه باید از امکانات دیگر از جمله حضور در گورستان غاروان و ملاقات با خانواده های شهدا در آن محل و بازدید از گورها و جمعیت ملاقات حضور و مستقیم با زندانیان سیاسی که به حالت « مرخصی موقت و تحت کنترل » در بیرون زندان بسر میبرند برابر تمام شاهدان و شاکیان با آن هیئت استفاده کرد . در بیانیه تاکید شده بود که ما و خانواده های داغدار شهدا و خانواده های رنج‌دیده زندانیان سیاسی در حال حاضر با اعتماد کامل به ما مانند کمیسیون حقوق بشر نمی نگرند و متأسفانه آثار گالیندوین با عملکرد نادرست خود و ارائه گزارش ناعادلانه اعتماد و احترام عمیقی را که در ذهن خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی برایشان وجود داشت خدشه نمود و ایشان می بایست در جریان سفر دوم خود و با ارائه گزارش صحیح و کامل و بدون ابهام و مبتنی بر واقعیات موجود در جامعه ایران ، بتوانند در جهت جلب اعتماد دوباره مردم کام بردارند . آثار گالیندوین :

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

از یک جهت اقامت در تهران، برای بردی و تکمیل گزارش خود، ایران را ترک نمود و گزارش خود را پیرامون یکماه -  
ارائه داد. در واقع مجموع نتایج دو سفر ایشان در بهمن ۶۸ و مهر ۶۹ به ایران می باشد که در ۹۶ صفحه تهیه  
شده و گزار است که در ماه آینده مبنای قضاوت مجلس عمومی سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران  
قرار گیرد. در این گزارش اغانی کالیندویس میگوید که شمار زیاد شکایت نامه، اسناد مختلف و مدارک از منابع  
مختلف به دست وی رسید. که همه آنها نثر حقوق بشر در جمهوری اسلامی را که به این امر عادی بدن شده، تأیید  
میکنند. به اعتقاد اغانی کالیندویس، ترمیم از شکنجه و اعدام، موجب شده که شهر زندان عدس و حتی مقامات بلند  
پایه عظام نقتل با و در مورد چگونگی رعایت حقوق بشر در جمهوری اسلامی از افشای عمودیت خود خودداری ورزد  
و نظرات واقعی خود را بر زبان نیاوردند. کالیندویس میگوید که اغلب ایرانیان از بر ملا کردن موارد نقر حشو  
انسانی بیگانه هستند و می ترسند شکنجه بشوند و حتی با خطر اعدام روبرو شوند. نماینده کمیسیون حقوق بشر  
در گزارش خود نوشته است که در خانه غای مردم عادی با بسیاری از ایرانیان صحبت کرده است اما مردم عادی از  
دادن اطلاعات به وی واهمه داشته اند و خواستار آن بودند که نامشان فاش نشود. بر اساس گزارش اغانی کالیندویس  
اعدامها در ایران همچنان ادامه دارد و شکنجه و بد رفتاری با زندانیان سیاسی امر عادی و روزمره در جمهوری  
اسلامی است. بنا به این گزارش، تعداد اعدامها در فاصله چهار ماه از ژانویه تا ماه مه سال جاری ۱۱۲ مورد  
بوده است. این رقم آمار رسمی است. در حالیکه بنا به اطلاعات منابع دیگر رقم واقعی بسیار بیش از این بود. -  
است. اغانی کالیندویس در گزارش خود میگوید که بازداشت شدگان حق دفاع از خود را ندارند، محاکمات علنی  
نیست، موارد اتهام بلافاصله در اختیار بازداشت شدگان قرار نمیگیرد و متهمین از حق داشتن وکیل محرومند  
اغانی کالیندویس درباره بی محاکمه در زندان اوین که خود در آن شرکت داشته گفته است: اطلاعات دادگاه انقدر  
کوتاه بود که بجای برای محاکمه علنی وجود نداشت. نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در گزارش خود گفته  
است که وی سعی اقامت خود در ایران قصد داشت با چهار تن از زندانیان زن گوهر پشت که با قبول خطر حاضر به  
تفتگو با و ر شده بودند، ملاقات و گفتگو نماید. اما مقامات رژیم جمهوری اسلامی مانع از اینکار شدند.  
کالیندویس می نویسد مناکمه و اجرای حکم در جمهوری اسلامی به شکل قرن وسطائی وحشیانه است و از فردی بنام  
"غز حسینی" نام میبرد که ابتدا او را صد شریه شزن زند و سپس با شمشیر گردن او را زدند. درباره -  
خون زنان، نماینده کمیسیون حقوق بشر میگوید در جمهوری اسلامی زنان مورد تبعیض قرار میگیرند. در دادگاهها  
شهادت زنان به عنوان نیمی از شهادت یک مرد به حساب می آید. طبق قوانین قضائی جمهوری اسلامی، شوهر پدر  
برادر می تواند زن، دختر یا خواهرش را به جرم فساد به قتل برساند. اگر دختر باکره ای، جمهوری اسلامی -  
مخلوم به اسلام خود، او را باید به زود به عقد مردی درآید، باکره کی خود را از دست بدهد و سپس اعدام شود.  
نماینده کمیسیون حقوق بشر درباره حقوق کودکان می نویسد که سن ازدواج برای دختران در قوانین جمهوری اسلامی  
سال است و وقتی دختری ۹ ساله شده پدر و برادرش میتوانند او را به عقد هر کس که مایل است در بیاورد و شیربها  
بگیرد. اغانی کالیندویس در گزارش خود درباره احزاب سیاسی می نویسد که قوانین دواخت باعث شده است که احزاب  
و گروههای سیاسی غیر قانونی شناخته شود. در قسمتی از گزارش به بازداشت عده ای از امضاء کنندگان نامه سر  
کشاده به ریاست جمهوری درگیری با مداران با تظاهر کنندگان در استادیوم ورزشی تهران که در آن تیر اندازی -  
ما مورد به بسته شدن ۱۰ نفر و بازداشت عده ای منجر شده، اشاره گشته است. اغانی کالیندویس تأیید نموده است  
که آزادی مطبوعات و آزادی مترمندان و نویسندگان مدود است. او می نویسد که چاپخانه ها موظفند برای چاپ و  
استدرا هر کتاب و نشریه ای از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجازه بگیرند. کاغذ چاپ فقط برای چاپ کتابهای  
که انتشار آنها مورد تصویب قرار گرفته است توزیع میشود. و توضیح میدهد که ممکن با کاغذ آغاز میشود که در دست  
دولت است و اثر نویسنده ای از خط دولت خارج شود. به اندازه کافی کاغذ دریافت نخواهد کرد. در گزارش تاکید  
شده است که مسئولین جمهوری اسلامی تعداد زیاد از معلولین جنس را برانگیزان دادن مکالمات تلفنی مردم گماشته،  
از سوراخ میان رژیم در نامه ها ریستی و تلگرامهای مردم مداخله میشود. در مورد آزادی مطبوعات در گزارش آمده  
است که "لیست گزارشهای در ریاستی دولت ایران فهرست کامپیوتری بیسی از ۳۵ هزار ایرانی را در اختیار دارد که  
متنوع الخری می باشند." در مورد آزاد منهدر گزارش آمده است که "انجمن کتب مقدسه که مربوط به اقلیتها  
مذهبی است از طرف وزارت ارشاد اسلامی منحن شده است. همچنین در مورد بهائیان گفته میشود که جمهوری اسلامی  
سختن به تبعیض در مورد بهائیان ادامه میدهد. عده ای از کارمندان دولت به جرم بهایی بودن از خدمت دولتی  
اخراج شده اند و حقوق بازنشستگی عده ای از آنان قطع شده است." در گزارش سیز از اقدامات تلافی جویانه و  
ارعاب رژیم نسبت به افرادی که در جریان سفر او اغانی کالیندویس به ایران جنایات رژیم در زندانها را افش  
نمودند سخن رفته است. اغانی کالیندویس با اشاره به نشانیات تلویزیونی در جمهوری اسلامی میگوید که اعترافات  
تلویزیونی کمکی به اجرای عدالت نمی کند.

گالیندوپین در ادامه گزارش خود میگوید که اطلاعات، اسناد و مدارک در مورد نقض حقوق بشر در ایران انقدر زیاد و متنوع است که این اعتقاد را کاملاً تأیید میکند که موارد نقض حقوق بشر در ایران بسیار بالا است. نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌افزاید که با توجه به ادامه نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی سازمان ملل باید همچنان اوضاع را در ایرات زیر نظر داشته باشد و بدینسان وی خواستار کنترون و نظارت سازمان ملل بر وضعیت حقوق بشر در ایران گشته است.

گزارش نماینده ویژه سازمان ملل در عین کترونگی دامنه افشاگرسی خود بر علیه رژیم جمهوری اسلامی می‌گوید - بمای بسیار جدی دارد و از این لحاظ انتقاداتی به آن وارد است. گزارش جدید دابیندوپین با توجه به گزارش قبلی دقیفتر اسد و مقدر از نارساتیهای محدود در گزارش قبلی را چبران کرده، ولی همین گزارش کامن نیست. اصولاً کار بررسی موارد نقض حقوق بشر در ایران توسط رژیم که اساساً به حقوق بشر باور ندارد و برای اعمال وحشیانه و ضد انسانی خود همواره توجیحات شرعی و اعتقادی پیدا میکند و بمدت بیش از ۱۱ سال بطور مستمر و مداوم حقوق بشر را نقض نموده است، کار ساده‌ای نیست و با سفرین هفته و دو هفته‌ای و بدون بازدید از کلیه زندانهای موجود در ایران و دیدار از مراکز سپاه و کمیته بدون بازدید از محل دفن دسته - جمعی اعدام شدگان سیاسی، بدون دیدار با زندانیان سیاسی در محیطی امن بدون تماس با سازمانهای سیاسی و دمکراتیک علنی و مخفی میهن ... نمیتوان گزارش جامع الاطرافی از مسئله وضعیت حقوق بشر در ایران تهیه نمود. از اینرو گزارش اخیر گالیندوپیل نیز کامل نبسود. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد باید برای تهیه ین گزارش جامع الاطراف از وضعیت حقوق بشر در ایران، بازدید هیئتها ی نمایندگی خود را از ایران تمسید نماید. در عین حال آقای گالیندوپیل در گزارش خود به ین سوال مطرح جدی پاسخ نمی‌دهد و ان هم این است که چرا و به چه دلایلی بسیاری از مطالب افشاگرانه بیان شده در این گزارش در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران در گزارش نخست ایشان در سال ۶۸ مطرح نشده بود؟ در حالیکه در فاصله یکساله که از سفر او ن گالیندوپیل به ایران گذشته، قوانین قضائی و مقررات دادگاههای جمهوری اسلامی، مسائل مربوط به علنی نبودن دادگاهها و نداشتن حق استفاده از وکیل بویژه برای متهمان سیاسی، مسائل مربوط به یا ینمال کردن حقوق زنان، سنگسار کردن و شلاق زدن و گردن زدن بسیاری از مجرمین، شیوه تجاوز به دختران باکره محکوم به اعدام، لگدمال سدن حقوق کودکان، اخراجهای وسیع از محیطهای کار و تحصیل مشکلات مربوط به - سانسور و اجازه انتشار کتاب و محدودیتهای رسمی و غیر رسمی مقابل هنرمندان و نویسندگان، قوانین مربوط به آزادی احزاب سیاسی و سازمانهای صنفی، مسئله اعترافهای تلویزیونی ... تغییرات مهم و چشمگیری نکرده است و اصل در اثر موارد کوچکترین تغییری ننموده است و آقای گالیندوپیل از کلیه این مطالب نیز در جریسان سفر او ن خود در سال گذشته اطلاع وسیع داشتند. اما همه آنها را در گزارش خود منعکس ننمودند. چرا؟ نه تنها مردم میهن ما و خانوادههای شهدا و زندانیان سیاسی و نیروهای آزادیخواه میهن بلکه بسیاری از نیروهای دمکراتیک و مترقی جهان نیز در انتظار پاسخ این سوال میباشند.

اما به هر حال میتوان گفت که آنچه که از این گزارش تاکنون انتشار یافته سند گویایی از پایمال شدن حقوق بشر در جمهوری اسلامی است و شواهد فراوانی از اعمال ضد مردمی و ضد انسانی حکام جهن و جنایت در ایران را در بر دارد. کوشش در انعکاس وسیع این سند ارزشمند حقوقی و به قصد افشای رژیم ددمنشی جمهوری اسلامی وظیفه همه نیروهای ترقیخواه و آزادیخواه میهن میباشد. در عین حال جمع عمومی سازمان ملل متحد باید در نشست خود که در اذر ماه صورت میگیرد، با استناد به همین گزارش انتشار یافته از سوی گزارشگر ویژه سازمان ملل، رژیم جمهوری اسلامی را بخاطر نقض خشن حقوق بشر، صریح و قاطع محکوم کند و امکانات مناسبی را برای تحت فشار گذاشتن رژیم جمهوری اسلامی بکار گیرد، تا از گسترش جو اختناق و سرکوبدر جامعه و اعدام دؤناره زندانیان سیاسی جلوگیری شود. سازمان ملل متحد با ینستی هیئتها ی ویژه‌ای را جهت کنترون و نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین و رژیم جمهوری اسلامی را مجبور به پذیرش این هیئتها نماید. تداوم بازدید هیئتها ی مختلف سازمان ملل از ایران بدون انز جانبداریهها و ملاحظات سیاسی کماکان خواست مردم ایران است. این انتظار همگان این است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد با بررسی دقیق و کامل موارد نقض حقوق بشر در ایران و با صدور حکم حکومتی حاکمان جنایت پیشه به یاری مردم باز زده و مستعبد کرده کشور ما برخیزند. نهادمان معتبر بین المللی و از جمله کمیسیون حقوق بشر با برداشتن

**برای نابودی استبداد به بیستی!**

کامها را بجزدن تر و وادار نمودن رژیم جمهوری اسلامی به عقب نشینی واقعی و جدی ( و نه حرکات عوامفریبانه )  
 میتوانند فاطمات جلوزحرکات سرکوبگرانه رژیم حاکم ایران را گرفته و مسئولان نظام جمهوری اسلامی را به  
 تا مین دمکراسی و رعایت حقوق بشر در ایران مجبور سازند . ما نیز با چنین اندیشه و روحیه ای است که  
 بیسکار مسدود خود را بخاطر دمکراسی برای ایران گسترش میدهیم .

کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران ( داخل کشور )

۳۰ آبان ۱۳۶۹

لطفاً عیب " کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران ( داخل کشور ) " :

" برابر دفاع از جان پناهندگان ایرانی متخمس عراق متحد شویم "

هموطنان آگاه ! نیروهای مبارز و دمکراتیک میهن !

در جریان مبادله امرای ایران و عراق عده زیادی از مبارزین اپوزیسیون ایرانی که در خاک عراق مستقر بودند  
 به عنوان اسیر به حکومت ایران تحویل داده شده اند . تعداد ۲۷۰ نفر از آنها اعدام شده اند و اینکه نیز  
 بسیار از آنها را اعدام تهدید می کند . باید پس از آنکه خون بیگناه این عده بر زمین بریزد با افکار  
 این عنضد انسانی و جلب افکار عمومی داخل و خارج کشور به یاری آنها شتافت . بیم آن میرود که در پس  
 زد و بند ضد انسانی دو رژیم ایران و عراق عده زیادی از هزاران پناهنده سیاسی مقیم عراق به سرنشاید  
 افراد مبتدرشوند . با هوشیار همگانی نگذاریم که صلح بین دو رژیم به قیمت جان عده ای از هموطنانمان ت  
 شود . تعرض به حقوق پناهندگان سیاسی و بازگرداندن اجباری آنها به کشوره عملی غیر انسانی و مغایر با حقوق  
 شناخته شده پناهندگی است . سازمان ملل سرخ جهانی و کمیسیون عالی پناهندگان باید متوجه بند و بستها  
 رژیمهای ایران و عراق گردند و نقش فعالی در نجات دادن مبارزان و پناهندگان مقیم عراق به عهده گیرند .  
 نیروهای اپوزیسیون ایرانی نیز باید با اتحاد و همگرایی و همگانی بتوانند در جلب افکار عمومی  
 جهان و ممانعت از تحویل پناهندگان سیاسی به عنوان اسیر جنگی نقش مهمی ایفا نمایند . جان پناهندگان  
 ایرانی منیم عراق در غلر استه متحد و یکپارچه با تمام توان به یاری آنان بشتابید .

اول آذرماه ۱۳۶۹

و بوته پر گل سرخ خانه ما  
 گل سرخی را به گنجه داشت  
 و قمری خزان

پیمان

تا پادی باقی در برادری .

□  
 در هنگامه تنوره باندهای کینه جو ،  
 و بنفش لبرهای تیره و مکدر آسمان ،  
 در فصل پنهانی گل های اطلسی ،  
 رقی .  
 رقی تا که پیمان ماند  
 در تراش بر سر اندیشه ،  
 و در وزش ملایم نسیم خیال بر امواج ملول الهام ،  
 بر تاب پیچش برگ های بید بجنون ،  
 در ایستادگی سپیدارها ،  
 در خروید و استواری کوه ،  
 در لطافت شفاف جویباران ،  
 و در خزل های دلنشین حاشانه ای که سرودی .

ماندی

تا پادی باقی در دوستی

که پیمان هست

و عشق می خواند

در آواز چکاره های بهاری

و عشاق می روید

از قطره های خون تو

در یک نگاه

در مکانه تابش انوار زمین خورشید ،  
 بر پیچش دردم آلود لبرهای سبکگون  
 و سبت کبر روشن آسمان  
 در هنگامه وزش نسیم ،  
 بر لوزن برگ های سرگردان  
 و فرم چکاره ها ،  
 در بپردن مبارزه دوستی  
 و میلاد عشق ،  
 در شیشه لقرش نسیم پاک  
 بر گلبرگ های سرخ گلبره عشق ،

تو زاده شدی .

تا سرایش غزلولو ای باقی

به هنگامه پنهانی گلبرگ های سرخ حلقه ،

تا با تو معنا پاید

پیمان

در رقص موزون و فرم خموش گل سرخ کمن لنتیه

تو زاده شدی و عشق با تو زاده شد

و پیمان در پیوند هست تا گل کرد .

تو زاده شدی

سهامان

مجازات اعدام لغو باید گردد!

و یکبار نیز در مرداد ۶۷ از کار تبار دستی هم زنجیران در اوین نماینده‌ها بر پا ساختند با استیلا بسیار زندانیان مواجه شد. او زندگی و زیباییها سر را دریافته بود و کودکان را که امید بشر فردا و زندگی هستند بسیار دوست داشت. او همیشه ارزو داشت که "با تنها کودک خرد "غوشید" در این روز پایشین دنباں یکدیگه بروند و وقتی نفریزنان بهم میرسند، همدیگرا تنگ در اغوتی بکیرند و صدان خنده شان تا آنسر دنیا برود و انوه با هم روز برگها قدم بزینند و به اهنت پاها یشان گوس بپیرند ... دوزخیمان رژیم ارتجاعی، به چنین انسانهاست که همه خلافت و توان خود را و همه زندگی و جان خود را بی درین در راه بهروزی مردم فدا میکنند و همیشه از خود می پرسند که "ایا آنچه باید انجام دهم، انجام داده ام" کینه دامنشانه ای دارند. منجهر بهمیه دلین بهمراه دیگر مبارزان امان کلوله بخاری ارتجاع حاکم شد و در صدهای فاجعه ملی ۶۷ بخاطره های مرد پیوست.

## «یادش گرامی و نامر جاودان باد»



### جاودان باد خاطره رفیقت شهید حیدر نیکو

زندگی با تمام فراز و نشیب تالیس محنتها و دشواریها را زیباست و برای ادامه ان فید و شرطی نباید باشد چرا که برای زیبایی و شکوه بهائی بس سنگین داده شده است. چه زیباست ترنم نغمه های زندگی شما در زیرینت بام در کانسون عشق محبت و دوستی. برایم چه شاد و بخشاست تصور در کنار هم زیستن عزیزانی که در غلبم جا دارند.

حیدر در دیماه سال ۱۳۳۴ در خانواده ای که پدرش با رنج و زحمت کارگر معاش خانواده را تأمین میکرد متولد شد. دوران تحصیلی خود را با موفقیت در شهر ری گذراند، همواره جزء شاگردان ممتاز و علاقمند به دارها علمی و مقالات علمی بود و ضمن کار و تحصیل در مدار مشابانه موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی و ورود به دانشگاه صنعتی و ادامه تحصیل در رشته مهندسی برن شد.

از خصوصیات بارز روحی و اخلاقی حیدر میتوان بطور کلی از رشد و تکامل احاطات عمیق انسانی نام برد که بهتر از همه حس نوع دوستی، گذشت و فداکاری عشق به محرومان و زجر کشیدگان و نفرت از ظالمان و ستمگ و عداقت و پاکیزگی و ایثار اخلاقی وی بود. در رابطه با تمامی خصوصیات روحی و اخلاقی و تحت تأثیر تمامی این خصوصیات عشق او به راه و هدایت و ارمان و الایس حزب توده ایران از همه برجسته تر میباشد.

حیدر در آغاز دوران جوانی فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز نمود و با الهام از راه و ارمان که برگزیده بود همواره در کنار مردم در فعالیتها رسد رژیم شاه شرکت می نمود، بعد از سرنگونی رژیم فعالی حیدر در سازماندهی جوانان و زحمتکشان حسن زندگی متمرکز شد. حیدر مشغول سازمان جوانان توده ای در شهر ری بود. پس از پیوستن به حزب توده ایران در اردیبهشت ۶۳ مزدوران برای دستگیری حیدر به منزل آنها پیوسته و وی حیدر را نیافتند چرا که حیدر در عرصه دیگر به فعالیتها سر ادامه داد تا اینکه بالاخره در ۲۱ بهمن ۶۳ در اوج فعالیتها ضمن دستگیر و بعد از یکس بلا تکلیفی به شش سال زندان محکوم شد.

ولی در زندان هم همی از مبارزه در راه ارمان غافل نبود و تا آخرین لحظه از ان دفاع نمود. دوستان دربار او میگویند: حیدر یکی از بهترین رفتار در همه زمینه های ارزشهای سیاسی و خصوصیت اخلاقی بوده حیدر که در دل خانواده زحمتکش پرورش پیدا کرده بود، خصوصیات فرزندان زاده کار و زحمت را با خود داشت. از روحیه ای بسیار عالی برخوردار بود، علیرغم ظاهر محبوب و آرام خود یکی از پر شوته و فعالترین رفتار بود و نه تنها بخاطر پایداری و مقاومت او در راه ارمانها بلکه بخاطر انسانیت والا و با انسی و مدائت در دن همه جا داشت. حیدر احاطه گرم و مناسرت هر دو را با هم داشت. مادریخیمان او همیشه از خست معین شده فرار دادند و حیدر با روحیه عالی که داشت صبح شنبه ۵ شهریور با لبی خندان میر ولی حیدر همیشه زنده است و یاد او همواره در قلبها جاودانه است.

سرا تجم در ۵ شهریور ۶۷ جزء اولین سری قهرمانان راه خلق در زندان گهر کس گل زیبای زندگی برپوشد و تا ابد خود و ارمان جاودانه شدند.

فرازهای از زندگی شهید قهرمان «نادر قند هاری»

از شرح جان رفیق نادر - متولد ۱۳۲۶ تهران - تا اوایل سال ۱۳۵۹ متاسفانه اطلاعاتی نداریم. رفیقی که در اوایل سال ۵۹ در کانون دیپلمه مبارزین در تهران با او آشنا شده است مینویسد که رفیق نادر به خانواده متوسط تعلق داشته و پسران غیام بهمن از سازمان چریکها رفدائی خلیف حمایت میکرده است و در سال ۵۹ به سازمان تارگران انقلابی ایران «راه کارگر» پیوست و از آن پسر با خود و نیروی تمام و با نام مستعار رسو به تبلیغ مواضع راه کارگر و توزیع نشریات آن پرداخت.

در تیر رفیق نادر احتمالاً حدود ۱۰ مهرماه ۱۳۶۰ هنگام بازگشت به منزل جلور در خانه اس صورت میگیرد. پسر از بازداشت وی نجات اس مورد تفتیر قرار میگیرد ولی پیروز بدست نمی آید. خانواده رفیق پسر از دوندگی بسیا زندان و را میابند و برای مسواک و حوله میبرند. خبر تیرباران شدن را دریافت میکنند. رفیق نادر یکپست پسران دستگیر به سرخه اعدام سپرده شده بود.

از رفیق نادر وصیتنامه‌های کوتاه بر جای مانده است که نیمی از آن توسط درخیمان قلم خورده است. رفیق نادر در این وصیتنامه سه سطر مینویسد «من زندگی تحرک دوستی و شاد را میپرستیدم و از مرگ نفرت دارم. اما حالا که ناگزیر شده‌ام چاره‌اندیشی نیست. بهرحال روزی می‌مردم»

این پرستنده زندگی تحرک دوستی و شادای چه فرغان و خونسرد به مرگی اغوش گشوده که از آن نفرت داشته است برای او زندگی بشرط تمکین در برابر ولایت فقیه و بهره‌کشی سرمایه از مرگ نیز نفرت انگیزتر بوده است. او زندگی تحرک دوستی و شادای خود را بدست مرگ میسپارد تا به دست ولایت فقیه نسپرده باشد. عفریت مرگ برای او بمراتب قابل اعتمادتر و امین تر از چهره ولایت فقیه است. مرگ را در می‌یابد کسی که به قون خودش پرستنده زندگی و تحرک و دوستی و شادای بوده تنها به این دلیل که «بهرحال روزی می‌مردم» به استقبال مرگ نمی‌رود. رفیق نادر اگر می‌گوید «بهرحال روزی می‌مردم» می‌خواهد تصمیم خود را بزرگ جلوه دهد و منت بر کسی نگذارد و مرگ خود را برای دیگران به همان اندازه بی اهمیت جلوه‌گر سازد که خود - هنگام روبروشی با آن احساس یافته است.

وصیتنامه کوتاه رفیق نادر بیوگرافی کامل اوست و چیزی بر آن نمیتوان افزود فقط باید از آن امیخت

«یادش گرامی و نامش جاودان باد»

وصیتنامه احمد قندهاری

من احمد قند هاری فرزند محمد متولد ۱۳۲۶ تهران در شنبه شب ۱۸ / ۷ / ۶۵ وصیت می‌کنم .....  
..... از خانواده خود می‌خواهم که از مرگ من وحشت بی صبری بدست نیاورند ..... من زندگی تحرک دوستی و شادای را می‌پرستیدم و از مرگ نفرت دارم. اما حالا که ناگزیر شده‌ام است چاره‌ای نیست. بهرحال روزی می‌مردم. وصیت کامل خود را قبلاً نوشته‌ام در دفتر موجود است.

احمد قند هاری

۶۵ / ۷ / ۱۸

**جاوید باد خاطره تابناک شهدای جنبش انقلابی ایران!**

**برای نجات جان زندانیان سیاسی متحد شویم!**

عزمیه " کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران" در ارتباط با تهاجم نظامی رژیم جمهوری  
اسلامی به نوار اشغال نیروهای مبارز کردستان!  
حزب آزاده و آگاه!

از ابان ماه سال جاری رژیم جمهوری اسلامی در راستای سیاست سرکوب و ارباب در کردستان، نوارکاهای  
نیروهای مبارز کرد را در داخل خاک عراق با تویستانه خورد تهاجم قرار داده است. با توجه به اینکه  
ساکتین این نوارکاهای را عموماً زنان و کودکان و پسر مردان تشکیل میدهند، خطر این حملات بیشتر متوجه افراد  
بیگناهی میشود که کمترین قدرت دفاع از خود را ندارند. هجوم ارگانهای سرکوبگر به مبارزین کرد و استفاده  
از حربه نرود و سرکوب برای ارباب مردم کردستان، موضوع تازه ای نبوده و از همان اوان سطره رژیم جمهوری  
اسلامی پیگیری ادامه داشته است. اما تشدید این وضعیت در شرایط کنونی دلایل مشخصی دارد. رژیم به  
شما نگونه که با شروع بحران خلیج فارس و با بهره گیری از انحراف افکار جهان نیان از اوضاع داخلی ایران به  
بازداشت و پیگرد مبارزین و مخالفین خود پرداخته و جو خفقان حاکم را تشدید نموده، فرصت را برای انتقام گیری  
از مردم کردستان و نیروهای مبارز این خلق رنج بریده نیز مغتنم شمرده و عملیات سرکوب گسترده را به راه  
انداخت. روستائیان نوار مرزی را مجبور به کوچ اجباری از نقاط و اماکن ابا و اجدادی شان نمود و سیاست  
اسکان آنها را در اردوگاههای اجباری در پی گرفت. و در راستای اجرای این سیاست روستاهای تخلیه شده را با  
نات ایمن نمود، بر میزان تمرکز نیروهای نظامی خود در سطح شهرها افزود جنگ تحمیلی بر مردم و نیروهای  
سیاسی کردستان را با شدت بیشتری ادامه داد و بالاخره در پی بهبود روابط با رژیم عراق پایگاههای  
سازمانهای سیاسی کرد میهن ما را در خاک کردستان عراق مورد بمباران شدید قرار داد که با توجه به سکوت  
رژیم عراق در مقابل این عمل میتوان گفت که فبزد در این زمینه هماهنگی های لازم بین دو رژیم ایران و عراق  
انجام گرفته است. با توجه به این واقعیات میتوان فهمید که خطر کرد و نیروهای سیاسی آن شرایط حساس و  
دشوار را می گذرانند. از اینرو در راستای دفاع از آزادی و دمکراسی باید به دفاع از این خلق مستمدر دیده  
برخواست و به هر وسیله ممکن باید جنایات و آزادی کشی رژیم در کردستان را افشا و به نوبت افکار عمومی داخل  
و خارج کشور رساند. نیروهای سیاسی دمکراتیک کشور با یستی با مساعدت و دفاع از مبارزین کرد آنها را در  
این شرایط دشوار یاری دهند. بارزین درد نیز در این لحظه حصار مشولیت دشوار و سنگینی بر دوش دارند.  
باید با کنار گذاشتن اختلافات و درگیریهای داخلی خود، متحد و یکپارچه به دفاع از جنبش حق للبانة خلق کرد  
پرداخته و تجاوزات سرکوبگرانه رژیم را ناکام سازند. وحدت عمل آنان می تواند در جلب افکار عمومی داخل و  
خارج نشر اساسی ایفا کند. آنان باید بشعور با افشا و وسیعتر و سریعتر جنایات رژیم در کردستان، توطئه سکوت  
در این زمینه را خنثی سازند. خلق کرد طی مبارزه حق للبانة دهها ساله خود، روزهای حصار و دشواری را پشت  
سر گذراند و مسلمتاً با اتکا به تجربه مبارزاتی خود، می تواند این روزها را از سر گذرانده و رویاهای  
حاکمان دد منتر جمهوری اسلامی را نقش بر آب سازد. ما اقدام سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی بر علیه خلق  
کرد و نیروهای مبارز کرد را محکوم می نمائیم و خواهان رسیدگی جدی به این امر از سوی مرجع معتبر  
بین المللی و بویژه سازمان ملل متحد می باشیم. ما همه نیروهای آزادیخواه را برای دفاع از خلق کرد به  
اتحاد گسترده تر و مبارزه قاطعتر فرا میخوانیم.

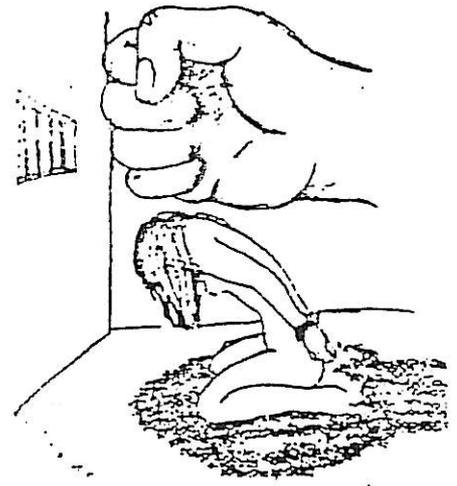
کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور)

۳۰ ابانماه ۱۳۶۱

کمکهای رسیده به کانون

ایرج	۵۰۰۰ ریال	زنان	۵۰۰ مارک
امیر	۵۰۰۰ ریال	درویش	۲۰۰ مارک
حمید	۳۰۰۰ ریال	یک مادر	یک مادر بخاری
بچه های شمال	۶۰۰۰۰ ریال	بابک	۳۰۰۰ ریال
		سیدرضا	۲۰۰۰ ریال

# زن در جمهوری اسلامی



خبرنامه غو بین الطلی

برائت حری ۹۰/۸ سازمان غو بین الطلی

حس پیراسترایش NEIDERÖSTERREICH

بدن شکل زنان اختصاص داده شده است. سرمتنه آن تحت عنوان "زن در اسلام" می باشد. در این مقاله که بسیار مفصل است، صحبت از آن است که اسلام بیش از محیط برای کلیه امور زندگی دستور و قوانین تعیین نموده است و تاثیر فرهنگ غربی بر ممالک افراطی اسلامی بدین شکل است که

بخشی از این جوامع به شدت به قبول سنت های اسلامی کتبی نشان می دهند. نویسنده به طور سونه از ایران مثال می آورد که مجازات سنگار به ویژه در مورد زنان در قبایل زنا انجام می گیرد. از این پس برای دنیای غرب روشن شده است که اسلام دینی است که زنان تحت تعقیب و پیگرد بیشتری قرار دارند. از طرف دیگر با مطالعه قرآن توضیح می دهد که در خلاف تصوراتی که این گونه اعمال در نهان سن بسیار می کند. در اسلام موازین انصاف

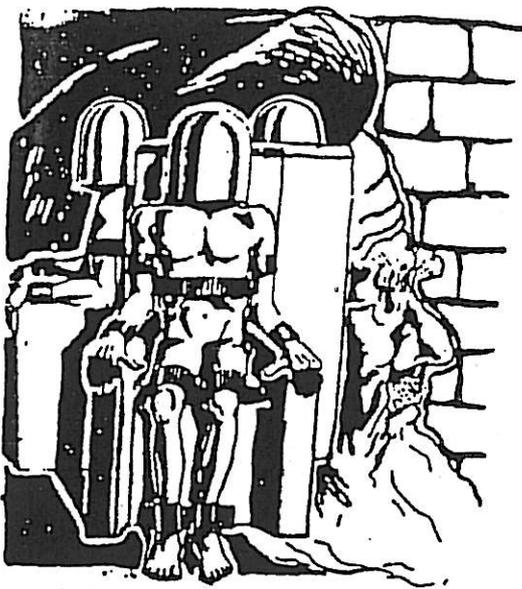
و ترجم و اسانیت نیز مطرح شدند. قرآن ماسد تورات مرد را مخاطب قرار می دهد. برکنده به طور مفصل از حق طلاق برای مردان صحت می کند و این که زن باید تسلیم سزاست و اراده مرد باشد. از طرفی مرد موظف است که حقوق زن خویش را مراعات نماید. که در واقع حرا و ارزش اخلاقی مرد را رساز او با روحیات معین می سازد. سایرین زن در اسلام موضع اجتماعی خود را از طریق مرد پیدا می کند.

در این مقاله با مقام ویژه مادر

در اسلام به طور متوسط برخورد شده است. این که در مقام اجتماعی خویش را در چارچوب خانواده می یابد. در جای دیگر از برخورد اسلام با روابط جنسی تعریف می شود و نکر می کرد که قرآن برای روابط زناشویی برخورد مسئولانه و اهمیت والائی قائل است و روابط جنسی خارج از محدوده زناشویی تحریم گشته است. در ممالک اسلامی زن خارج از چارچوب خانواده عملاً از حقوق برابر سیاسی و اجتماعی برخوردار نیست و میدان عمل فعالیت او بسیار ناچیز است.

## توجه

اشتراک مرد و زن در تمام به صورت برنامه ریزی شده و این شاخصه حلقه به دفتر مجله "توجه" و دستگیری ۱۰ نفر را پیشتر بود که در بررسی رانده و با نیز نامکس یافت. بخشنامه شایعات با هدف ایجاد و تحت فشار قرار دادن مخالفان و از جمله نویسندگان و روشنفکران مسرت به برنده است.



برای آزادی زندانیان سیاسی

مبارزه خود را تشدید کنیم!

روز شنبه ۶۹/۹/۳ در دانشگاه الزهرا حادثه‌ای اتفاق افتاد که منجر به عدم سخنرانی آیت‌الله یزدی ریاست قوه قضائیه در آن مکان گرد.

بر اساس این گزارش در شروع برنامه، تعداد زیادی از طلبه مکتب نجف مشهد و حوزه علمیه نهج شاه‌آبادی و عدای از کارکنان و دانشجویان دانشگاه امام صادق در محل حضور یافته و اجرای مراسم از جمله اعلام برنامه، قرائت قرآن و دیگر مراحل برنامه را در دست گرفتند.

قبل از سخنران اصلی مشول مکتب نجف مشهد پشت تریبون قرار گرفته و ضمن اعلام بازگشایی اولین مجمع فرهنگی خواهران دانشجویان ادامه این برنامه در آینده را مورد تاکید قرار داد.

این مساله باعث اعتراض انفرادی دانشجویان گردیده و سعی نمودند بگونه‌ای که نظم جلسه حفظ شود از بروز تشنج جلوگیری کنند. اما گردانندگان برنامه به دانشجویان معترض با جمله «به شما مربوط نیست» پاسخ می‌گفتند.

بنابر اظهارات دانشجویان هنوز سخنرانی خانم طاهایی به اتمام نرسیده بود که حضرت آیت‌الله یزدی به جلسه تشریف آوردند و دانشجویان با سر دادن شعار صل‌علی محمد، یار امام خوش آمد از ایشان استقبال نمودند. پس از اینکه ایشان به پشت تریبون تشریف بردند نماینده دانشجویان به مقابل جمعیت آمده و اعلام نمود (خطاب به آیت‌الله یزدی) «حاج آقا دو کلمه صحبت دارم». ایشان فرمودند «حتی یک کلمه». به دنبال عدم پذیرش ایشان صلواتهای مکرر فرستاده شد و دانشجویان جهت گرفتن پاسخ آرام نشدند. ایشان دوباره فرمودند: «ما حاضریم باز هم صلوات بفرستید، ما می‌شنویم اگر فکر می‌کنید با این روش من از اینجا می‌روم مطمئن باشید من از اینجا نخواهم رفت». دانشجویان مجدداً صلوات فرستادند.

و جلسه با شعار ادامه یافت. بار دیگر یک دانشجویان به نمایندگی اجازه صحبت خواست که موافقت نشد. دانشجوی دیگری خود را به طرف میز مجری برنامه رساند تا با در اختیار گرفتن بلندگو موفق به ابراز نظر خویش شود و علت اعتراض دانشجویان را مطرح نماید که با مخالفت مجریان برنامه و اقدامی زشت توسط یکی از محافظین به جمع دانشجویان بازگشت.

و در اینجا آیت‌الله یزدی با اظهار این جمله که: «من تا دانشگاه به رشد فکری نرسد برای سخنرانی نمی‌آیم». جلسه را ترک کرد.

مراسم روز سیزده آبان شیراز بعد از گریزی بین دانشجویان و نیروهای شهربانی انجامید و تعدادی از دانشجویان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و تعدادی دیگر از آنان بازداشت شدند.

در جلسات ستاد تبلیغات این شهر که با حضور انجمن اسلامی دانشجویان و نهادهای دیگر دانشگاه، سازمان تبلیغات، کمیته انقلاب اسلامی، استاندار و... تشکیل شده بود مقرر گردید که مجری برنامه مراسم سیزده آبان، از دانشجویان بوده و قطعنامه راهپیمایی نیز پس از تصویب ستاد از سوی دانشجویان قرائت گردد. در این جلسات همچنین مقرر شده بود که از آیت‌الله جوادی املی به‌عنوان سخنران دعوت بعمل آید و در صورت وجود مشکلی در این رابطه آقایان موسوی خوئینی‌ها وری شهری به‌عنوان کاندیداهای بعدی مدنظر بودند. این مصوبات که مورد تأیید و تصویب اعضای ستاد قرار گرفته بود از سوی آقای حائری شیرازی مورد مخالفت قرار گرفته و ایشان رأساً وبدون هماهنگی با نهادهای ذیربط و مسئول مجری مراسم را از اعضای ستاد نماز جمعه شیراز تعیین و آقای فاکر را برای ایراد سخن دعوت کرد ایشان در مورد قطعنامه راهپیمایی نیز گفته بودند که قطعنامه باید برویت و تصویب نهائی من

برسد. باتوجه به مخالفت امام جمعه شیراز با مصوبات جلسه هماهنگی تبلیغات و هماهنگی استاندار با ایشان مراسم سیزده آبان بدون حضور دانشجویان آغاز به کار کرد. در این حال دانشجویان بر لزوم اجزای مصوبات ستاد هماهنگی اصرار ورزیده و طی تماسهایی با مسئولین اجرایی شهر اعلام داشتند که طبق مصوبات جلسه، راهپیمایی را برگزار خواهند کرد. دانشجویان حوالی ساعت ۹/۳۰ دقیقه به محل برگزاری مراسم رسیده و طی تماسی با مسئولین حاضر درخواست می‌کنند که حداقل مصوبات جلسه اجرا شده و به دانشجویان اجازه قرائت قطعنامه داده شود که این درخواست مورد توافق قرار نمی‌گیرد. این پیشنهاد که بعنوان آخرین راه حل پایان منطقی این درگیری ارائه شد نتوانست بصورت مسالمت‌آمیز به این مناقشه پایان دهد و در نتیجه دانشجویان با سردادن شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر ضدولایت فقیه خود را به تریبون برگزاری مراسم رساندند. در این لحظه که آقای فاکر جهت سخنرانی در پشت تریبون قرار گرفته بود با لحنی تند ابراز داشت: «اینان منافقین جدیدند، نوع اول مجاهدین بودند، نوع دوم بنی‌صدری‌ها و نوع سوم اینها هستند».

وی پس از ادای این جملات به رئیس شهربانی که در محل حضور داشته می‌گوید که بلندگوی اینها را قطع و آنها را ساکت کنید. در این هنگام رئیس شهربانی خود را به پشت تریبون رسانده و به نیروهای تبهت امر خود دستور دخالت می‌دهد.

نیروهای شهربانی نیز ضمن جلوگیری از حرکت دانشجویان به سمت جلوه با هجوم به آنان

یکی از دانشجویان شعار دهنده را از روی ماشین پایین کشیده و سپس از ضرب و شتم او را دستگیری کنند. در همین حین با افزایش تدریجی نیروهای شهربانی تعدادی از درجه‌داران و حتی افسران ارشد شهربانی نیز در این غائله دخالت کرده و تعدادی را دستگیر می‌نمایند.

این کشمکشها تا پایان سخنرانی آقای لاسکر ادامه داشت و دانشجویان در حالی که آثار کتک خوردن و کوفتی در آنان مشاهده می‌شد از اطراف جایگاه عقب رانده می‌شوند.

در این مراسم حدود سی تن از دانشجویان دستگیر و ده نفر از آنان به کلانتری منتقل و پس از ادامه ضرب‌وشتم در طول مسیر و در کلانتری به زندان عمومی منتقل می‌شوند. این افراد با وساطت دانشجویان و وزارت اطلاعات پس از چند ساعت آزادی می‌شوند.

انعکاس این رویداد در تهران نیز با عکس‌العمل‌هایی روبرو بود، در همین رابطه تعدادی از نمایندگان مجلس از وزیر کشور و ریاست جمهوری، خواستار پیگیری این ماجرا شدند. گفته می‌شود هیئتی نیز از سوی اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان و شهربانی برای بررسی موضوع به شیراز اعزام شده‌اند.

در طول این کشمکش از سوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز و علوم پزشکی اطلاعیه‌هایی منتشر شد که در آن به نحوه برگزاری مراسم روز ۱۳ آبان در شیراز اعتراض شده بود. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «با وجود نقش دانشگاهیان در پیروزی انقلاب اسلامی و تاکیدات امام امت و رهبری معظم انقلاب مسبنی بر ضرورت حضور دانشجویان در مسائل سیاسی در جریان برنامه‌ریزی مراسم سیزده آبان شیراز شاهد برخورد های خطی و باندی که با کوفت فکری سعی در القاء تفکر چدائی سیاست از دانشگاه و مطرح نمودن جناحی خاصی در مراسم داشت، بودیم. این مطلب پس از تشخیص نهادهای دانشگاهی به عاملین تذکر داده شد... ولی در عمل ستاد هماهنگی مراسم سیزده آبان بعنوان یک مجموعه دکوری تلقی شده و آقایان با الهام از رهنمودهای باندی و جناحی بزرگترین توهین را به نهادهای مختلف شرکت کننده در این ستاد کرده و در چندین مورد برخلاف مصوبات عمل کردند».

## زلزله زدگان سرمازده

### جاده رشت - قزوین را بستند.

در هیئت میرماه، مع مرابطان ستاندر استان کیلان را مرا گرفت. جاده‌های زلزله زدگان را با طرماح با خود برد و با در سبیل و کنگ فرو رفتند. مردم شب را بد و سرد پناه و غذا در میان طرماح و سرما به صبح آوردند. زلزله زدگان به شدت آه از صبح بیدار و بکم میرماه از شهرهای رود بار، جیند و لوشان و رشت آباد بخرف سازه قزوین - رشت حرکت کرده و جاده را بسته کردند. آنها در جرف پل لوشان را با لوله آهنی حوزن دادند. سیر جاده برقی لوشان - رشت را بسته و در نام سیر کلبای بزرگ گذاشته. حقیقت - زلزله زدگان زلزله زدند، سازمان را به کویگان کرده می‌گفتند: "بند بر ایسا بناید تا ببیند که ما چه وضعی در میان مردم سرما می‌کنیم. مردم به مردم شهرهای دیگر تکیه تا به مسئولان رژیم فشار آوردند که تسهیلات لازم را در اختیار ما بگذارند". آسپاک به شدت متشنج بود. به چندین مأمورین که صد حاجت‌نشدن از مردم را داشتند، با جویب و سنگ حمله کردند.

رژیم در واکنش به اعتراض به حق زلزله زدگان مردم را خود اراکینه، زاهد امری، گنت ناسی و سپاه گروت تا نیروهای مدنی ترابری بجهت سرکوب مردم گسل داشت. مردم در مقابل بنا مزدوران، خود را به سنگ انداز و جویب سبزی کرده و با آتش زدن لاشه‌ها در طول مسیر، نتوانستند مس مقابله حدود با آنان حتی چند همه اسلحه را به نیست کردن یکی از مریض‌های زاهد امری لغزاسی از رشت را نیز کویگان بگردید. گفته می‌شود، سوره‌های نظامی صلی با زلزله - زدگان خود را در نشان داده اند. هیچس جیره‌های رسیده حاکی است که وامده‌های صحت سپاه مدنی داشته‌بودی مردم پسر - اندانند گفته اما با مخالفت بعضی فرماندهان

سایر نیروها، از این کار صامت به عمل آمده. ارا در کوی گسترده، این سوره‌ها با مردم طرد - کوی می‌شود. مردمی این در کوی، مسئولان حکمرانی و از جمله حبیبی معالی اول رفتن باقی و ناپسند رود بار در مجلس مردم محل حمصیات و تسلی رسیدگی می‌باشد به حواس‌تعمان زلزله زدگان کار می‌دهند. در رابطه با این قول از طرف آنها با اینکه با نتیجه به سبیل شدیدی که برهه رشت و شهرها و روستاهای اطراف آنها گرفته و امر کاند رسانی به منطقه را با مشکلات جدی مواجه کرده بود. زلزله زدگان مواظبت می‌کنند تا جاده باز شود و مهلت پنج روزه ای برای مسئولان رژیم تعیین می‌کنند. از در کویها و دستکی - سیاسی احتمالی اطلاعاتی در دست نیست.

دهبران و مسئولان رژیم حتی مدت چهار ماه پس از وقوع زلزله در هشتاد، به تنها اقدام مؤثری در جهت کمک به زلزله زدگان انجام ندادند اما مانند و کلبای و رسانی از طرف مردم و کوی - های حازان را به غارت برده اند، بلکه به تشریف و رفاهات اخبار و سرکوب اعتراضات متوسل شده اند. مردم در شهرهای رژیم، بلافاصله بعد از صد و شدن جاده، اقدام کرد که جاده قزوین - رشت بسته شده و ملت آرامید و بیژن کسره حواس شود. متعاقب آن، رسانهای رژیم بعد از یک ساعت سرد آمدند که با تلاش سواران - نهاره راه، این محور باز شده است. هنوز هم

رسانه های رژیم سکوت کرده و هیچگونه حمای از اعتراضات و در کویهای زلزله زدگان پیش نکرده اند. هم‌اکنون نیز نیروهای سرکوب رژیم در سر تا سر سطح پراکنده هستند و خطر در کوی و سرکوب زلزله زدگان وجود دارد. نباید به حاکمان ساینکار اجازه داد به جای پاسخگویی به حواس‌تعمان برحق زلزله - زدگان، در حفا حوز آنان را بر زمین بریزند.

### از صحت های زلزله زدگان :

انگشت‌های لژی ساخته شده برای اسکان ما، با هنوز آماده نیست و ما برای امداد دولتی در نظر گرفته شده. آنها ر کبیت این انانته ها با این است که در شبیل بدستف آنها را از جا کنده و برده است. هنوز خبری از نیست که بچه های ما برتند. غذای خود را باید به بچه ها بدیم تا سیر شوند. بعضی وقتها شب را گریخته به صبح می‌رسانیم. آخر کوی می‌خواهد به وضع ما رسیدگی کند؟ تا کی رنده ز و عهد؟

ما اینجا خانه نداریم، نه آب داریم نه غذا، نه دستشویی، نه حمام، هیچ چیز نداریم! نه کار داریم و نه سرمایه، نوزده انان از گریختگی و سرما بهار شده اند. همه چیزمان از این رفت. تا کی می‌توانیم سرگرم؟ کلبای مردم کجا رفت؟ این همه کلبای خارجی چه شد؟ تا کی می‌خواهد به ما مردم دروغ بگوید؟

## بخشنامه محرمانه ضد کارگری

مردی نیست که مسئولان اینتی رژیم در جهت اراضی اشتان و کنترل حرکات مردم می‌توانند تهدات حت بدی نبند نیستند. امیر وزارت کار و امور اجتماعی، بخشنامه "بسیار محرمانه" صادر کرده و به ادارات تابعه و کارفرمایان و پیمانکاران اطلاع کرده است. در این بخشنامه از مدبران و کارفرمایان خواسته شده تا در صورت مشاهده هر یک از موارد زیر مراتب را سریعاً گزارش نماید:

- ۱- اعتراض کارگران به ساعات کار؛
- ۲- اعتراض کارگران به تغییر شیفت؛
- ۳- اعتراض کارگران به طرح طبقه بندی مشاغل؛
- ۴- درخواست اجراء طبقه بندی مشاغل؛
- ۵- حوادثی مانند آتش سوزی؛
- ۶- توقف و یا کاهش تولید؛
- ۷- تعطیلی کارخانه؛
- ۸- اعتراضات و تشنجی؛
- ۹- اعتراضات در مورد تعمیق پرداخت حفرق؛
- ۱۰- اسراج و یا تعلیق کارگرانی که اسراج آنها با اعتراضات کارگران مواجه می‌گردد.

## سازمان اطلاعاتی ویژه

اشتراک از سافل مردم حاکمیت خبری رسد که مسئولان رژیم به سازمان اطلاعاتی ویژه تشکیل داده اند که وظیفه آن کنترل نیروهای مردم حاکمیت است. اساسی امراد "ناطلوب" بوده به آن سازمان تهیه و در اختیار دولتمردان طرار اول رژیم قرار می‌گیرد.

## بخشنامه محرمانه

اشتراک بخشنامه محرمانه ای به رسانه های کوی رژیم ابلاغ شده که در آن موارد زیر تذکر داده شده است:

- الف- در رسانه های کوی هیچگونه توهینی به عدم نشود.
- ب- به مسئله اسرا کثیر پرداخته شود و بیشتر مسئله بعضی در جنگ: "آسیم نه از زبان مسئولین نظام بلکه از زبان مردم! مطرح گردد.
- پ- از وضعیت اسرا در زمان اسارتشان در عراق چیزی گفته نشود.

البته باید گفت که در کویهای رژیم حکمرانی باعث گردیده این بخشنامه آنطور که دلخواه سران رژیم است، جدی گرفته نشود.

## گنت اختی - نظامی در کویها به ما

هدنی است نیهای گنت و کنترل در کوی - با به های تهران برقرار کرده است. هرگاه این نیهای چند نفره که مسلح می‌باشند، به یک می‌رسد نیز وجود دارد که با مرکز ویژه این گنتها در تماس است. وظیفه ایسی مردوران بازمی‌سرسی و دستکی بافرای است که مشکوک به سایه سیاسی هستند.



## اعمال فشار بر فعالین سابق سیاسی

در هفته های اخیر حده ای از فعالین سیاسی سابق و زندانیان سیاسی آزاده شده در تهران و برخی شهرستانها مجدداً دستگیر گردیده و مورد بازجویی قرار گرفته اند. سئو - لان اینتی رژیم به ویژه این افراد را تحت فشار می‌گذارد تا با ساواک رژیم همکاری نمایند. طبق شواهد موجود، دانسته این اقدامات محضاً ازجانب یافته است.

# با تمام امکانات بیاری خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی - بیدار شوید!

بهت رسیدی - از آن قانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران در این کشور ...  
از اطلاعیه های "سازمان عفو بین الملل"

سازمان عفو بین الملل در ۲۹ سپتامبر (۷ مهر) اطلاعیه ای منتشر نمود و در آن اطلاعیه از آزادی موقت (مرخصی) شماری از زنان زندانی وابسته به گروههای چپ خبر داد. عفو بین الملل در این اطلاعیه خ نشان ساخت که این زنان که در مرخصی بسر می برند همچنان بشدت زیر نظر هستند.

سازمان عفو بین الملل در نشریه ماه اکتبر (۹ مهر تا ۹ آبان) از علی اردلان به عنوان يك زندانی عقیدت نام برد و خواستار ارسال تقاضایی بعد فتر رئیس جمهوری برای آزادی وی شد. این نشریه نوشت که علی اردلان يك کارمند بازنشسته دولت در ماه ژوئن ۱۹۹۰ به اتفاق بیش از ۲۰ تن دیگر به خاطر امضای يك سرگشاده به رئیس جمهوری که در آن از نقض آزادیها و حقوقی که قانون اساسی آن را تضمین کرده است شده بود بازداشت شد. عفو بین الملل در این نشریه خواستار ارسال تقاضاهایی شجاعانه برای آزادی نوری اردلان به آدرس دفتر ریاست جمهوری شد. عفو بین الملل تاکید نموده است که زندانیان مکررا برای اعترافهای تلویزیونی در مورد بی اعتبار ساختن "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" تحت فشار هستند.

### از نامه ها و اطلاعیه های "نهضت آزادی ایران"

در تاریخ ۱۷ آبانماه ۱۳۶۹ نهضت آزادی ایران به آقای رفسنجانی ریاست جمهوری نوشته اند و اظهار در مصاحبه با مجله لوموند در باره علت دستگیری بسیاری از امضا کنندگان "نامه ۹۰ نفره" را دخالت مجریه در قوه قضائیه دانسته اند. در نامه نهضت آزادی ایران به هاشمی رفسنجانی آمده است:

" شما در مصاحبه با خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند در باره علت دستگیری امضا کنندگان نامه ۹۰ نفره اردیبهشت ماه گذشته فرموده اید: "سیاست جمهوری اسلامی این است که کسی را بخاطر اظهار نظر مخالفت سیاسی تحت تعقیب قرار ندهد. بیان مسائل گوناگون از تریبون مجلس شورای اسلامی بطور آزاد گواه بر این مدعاست لکن در مورد لیبرالهایی که اخرا دستگیر شده اند که بانی بودند که ما سیاست جاسوس پیدا کرده اند و از آمریکا دستور می گرفته اند و الا ما دلمان نمی خواست که آنها بازداشت شوند"

شما در مقام ریاست جمهوری به طور دست جمعی به اشخاصی و به گونه ای نسبت جاسوسی داده اید که هیچ دادگاه قانونی مورد رسیدگی و اثبات و محکومیت قرار نگرفته است و خود این اتهام از نظر فقه اسلامی و قانون اساسی و بر طبق اصول اخلاقی و حقوق بشر جرم محسوب می شود. مضافا به اینکه دخالت رئیس قوه مجریه در قوه قضائیه با اصل ۵۷ قانون اساسی مبنای آشکار دارد.

نهضت آزادی همچنین در اطلاعیه ای به مناسبت ملاقات مهدی بازرگان و ابراهیم یزدی با آقای رینالدو گالیندویل نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در زمان اقامت وی در تهران اعلام کرد که:

" بنا به اطلاعات شایع هیئت کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل م وفق به ملاقات با بیش از شش نفر از زندان آنها در حضور ماموران دولت شد. و بسیار بعید است که اعتراضات آزادانه دریافت کرده باشند."

درخواست رادیو درفش کاویان از مردم به مناسبت هفتمین روز درگذشت سیروس الهی

رادیو درفش کاویان "متعلق به سلطنت طلبان از مردم ایران خواست که در ساعت ۹ بعد از ظهر هفتمین روز درگذشت سیروس الهی (که توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در پاریس ترور شده بود) و به یاد بود ایشان چراغهای منازل محل کسب و عمر جای دیگری را خاموش کنند این رادیو از کارکنان نیروگاههای برق در سراسر کشور نیز خواست به نحوی که صلاح میدانند برق را قطع کنند.

**به کارن حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور) بیونید  
و از مبارزات ترقی خواهانه آن دفاع کنید!**



ما ازادی خانم فاطمه حسین زاده - طوسی مقدم (گیتی انزنگ) را به وی و خانواده

رنج دیده اش تبریک می گوئیم!

با خبر شدیم که خانم فاطمه حسین زاده - طوسی مقدم ، شناخته شده به نام گیتی انزنگ ، در ابان ماه ۱۳۶۹ پس از هفت سال اسارت در زندانهای جمهوری اسلامی ازاد گردیدیم خانم گیتی انزنگ در ۱۳۶۲ همراه با همسر قهرمانش رفیق سعید انزنگ دستگیر گردید. پس در سالهاش نیز به همراه او به زندان افتاد و ولی بعد از مدتی کولک از او شد و تحت سرپرستی خویشاوندانش قرار گرفت. جلادان رژیم ، رفیق سعید انزنگ را به در تیرماه ۱۳۶۷ اعدام نمودند و پس از آن فشار به همسرش گیتی انزنگ را بیشتر و بیشتر کردند. در مرداد ماه ۱۳۶۹ و بدنبال عقب نشینی رژیم در نزدیکی زمان ورود نماینده کمیسیون حقوق بشر به ایران و در پی «مرخصی دادن به زندانیان» گیتی انزنگ نیز به مدت موقت اجازه مرخصی از زندان را گرفت. تا آنکه در ایان ماه ۱۳۶۹ پس از هفت سال اسارت در سیاهالهای رژیم جمهوری اسلامی ازاد گردید. ما ازادی خانم فاطمه حسین زاده - طوسی مقدم را به او و خانواده رنج دیده اش و به پسر ۹ ساله اش و همچنین به خانواده داغدار انزنگ که اینک عروس قهرمان خود را در کتار خود می یابند ، تبریک می گوئیم و از صمیم قلب بهر روز رسالت همیشگی او را ارزو مندیم.

خانم فاطمه ایزدی بایدازادگرده

دکتر فاطمه ایزدی ، دکتر طب در سال ۱۳۶۲ با زداشت گردید و دریک «دادگاه» «سربانی» به ۲۰ سال زندان محکوم شد. که پیش از او بزداشت شده بود ، در جریان کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در سردلاورش سال ۱۳۶۷ اعدام گردید. دکتر فاطمه ایزدی در پی عقب نشینی های رژیم و تن دادن به «مرخصی موقت» به زندانیان سیاسی زن ، به مدت محدودی از زندان ازاد گردید. اما مزدوران رژیم پس از اتمام این مدت بسیار محدود ، بار دیگر او را به زندان اوین فراخواندند و در بازداشت آنها ی قرون وسطائی خود زندان نمودند. دکتر فاطمه ایزدی از مبارزین سیاسی پر سابقه و از زندانیان سیاسی دوران شاه نیز بوده است. در زندان او به سل شده است و اینک نیز تحت فشارهای شدید قرار دارد. ما خواهان ازادی فوری و بدون قید و شرط خانم فاطمه ایزدی و کلیه زندانیان سیاسی میهن می باشیم.

کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران (داخل کشور) - ابان ماه ۱۳۶۹

هم میبازارایم را تاگزیننه انتشار اصادم، دیدادان ظنی و زندانیان سیاسی کنهها

تاریخ اعدامها و محل دفن مبارزین اعدام شده باید بطور دقیق به خانواده های آنان اطلاع داده شود

متن کامل و دست نخورده و صیغنامه شهدای قهرمان باید به خانواده های آنان ارائه گردد!